

مرگ مشکوک زن جوان بررسی می‌شود

زن ۱۸ساله‌ای پس از درگیری با شوهرش به طرز مشکوکی در خانه‌اش در جنوب تهران به کام مرگ رفت. تحقیقات درباره این حادثه ادامه دارد. به گزارش جوان، ساعت ۱۱ صبح روز دوشنبه ۱۷ خرداد قاضی حبیبالله صادقی، بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران با تماس تلفنی مأموران کلانتری ۱۵۹ بی‌سیم از مرگ مشکوک زن جوانی در خانه‌اش در یکی از خیابان‌های جنوب تهران با خبر و همراه تیمی از کارآگاهان اداره‌دهم و تیم پزشکی قانونی راهی محل شد.

تیم جنایی در محل حادثه که طبقه‌دوم خانه قدیمی بود با جسد زن ۱۸ساله‌ای به نام مهناز روبه‌رو شدند که حکایت از آن داشت بر اثر حلق آویزی به کام مرگ رفته است. بررسی‌های مأموران پلیس نشان داد مهناز مدتی است همراه شوهرش در این خانه قدیمی دو طبقه با هم زندگی می‌کنند تا اینکه دقایقی قبل در حالی که برادرش مهمان آنها بوده پس از درگیری با شوهرش به طبقه بالا می‌رود و به طرز مشکوکی فوت می‌کند.

همچنین مشخص شد زن فوت شده قبل از مرگش تلفنی با پدر و مادرش حرف زده و گفته است که با شوهرش اختلاف دارد و درگیر شده است.

■ **ادعای شوهر**

شوهر زن فوت شده درباره حادثه به مأموران پلیس گفت: من شغلم کارگری است و همراه همسرم در این خانه قدیمی زندگی می‌کردیم. ما زندگی خوبی داشتیم، اما همسر مدتی بود که برای پدر و مادرش دلتنگی می‌کرد چون از آنها دور بود. او همیشه بهانه می‌گرفت و به همین خاطر گاهی با هم درگیر می‌شدیم. امروز برادرش مهمان ما بود که دوباره با من مشاجره لفظی کرد و پس از اینکه درگیری ما بالا گرفت قهر کرد و به طبقه بالا رفت. چند ساعتی از او بی‌خبر بودیم و فکر کردیم که در طبقه بالا خوابیده است، اما وقتی خیلی دیر کرد به طبقه بالا رفتم و دیدم خودش را حلق آویز کرده است. بلافاصله بپریدم و او را پایین آوردم و از برادرش کمک خواستیم، اما وقتی برادرش بالای سرش آمد متوجه شدیم که فوت کرده‌است.

برادر زن فوت شده هم گفت: خواهرم پس از درگیری با شوهرش به طبقه بالا رفت و دیگر از او خبری نشد که ساعتی بعد شوهرش مرا صدا زد و گفت خواهرم به زندگی‌اش پایان داده‌است.

همزمان با انتقال جسد به پزشکی قانونی برای انجام آزمایش‌های لازم و مشخص شدن علت اصلی مرگ مأموران پلیس به دستور قاضی حبیبالله صادقی برای بر ملا کردن راز مرگ زن جوان تحقیقات فنی و میدانی خود را درباره این حادثه آغاز کردند.



سرقت در پوشی باربری

راننده یک خودروی نیسان یار مشتری را به ارزش ۴۳۰میلیون تومان سرقت کرد، اما خیلی زود در دام مأموران گرفتار شد. به گزارش جوان، اواخر فروردین‌ماه‌امسال، مردی با مراجعه به اداره پلیس از راننده نیسان به اتهام سرقت شکایت کرد و به مأموران گفت: «مغازه خوارو بار پوشی دارم و امروز برای خرید اجناس به بازار رفته بودم. بعد از خرید خوار و بار به ارزش ۴۳۰میلیون تومان یک خودروی نیسان کرایه کردم و اجناس را تحویل او دادم تا به مغازه‌ام منتقل کند. پس از این خودم با خودروم به مغازه‌ام رفتم، اما هر چندر منتظر نیسان بودم که بارم را تحویل بگیرم خبری نشد. او حتی تلفن همراهش را هم خاموش کرده بود که فهمیدم اموالم را سرقت کرده‌است».

با طرح این شکایت پرونده برای شناسایی راننده خودرو به شعبه‌دوم بازپرسی دادسرای ناحیه ۱۰ تهران فرستاده شد و در دستور کار تیم کارآگاهان مبارزه با جرم و کلاهبرداری پایگاه چهارم قرار گرفت. کارآگاهان در روند تحقیقات با حضور در محل و بررسی دوربین‌های مداربسته موفق شدند صاحب خودرو و راه نام حمید شناسایی و وی را دستگیر کنند. سرهنگ کارآگاه سعید مجیدی، رئیس پایگاه‌چهارم پلیس آگاهی گفت: «با دستگیری متهم، وی ابتدا جرمش را انکار کرد تا اینکه در روند بازجویی‌ها به جرمش اعتراف کرد و گفت اجناس سرقتی را به فرزندش به نام مجتبی سپرده‌است. با اقرار های متهم مأموران به آدرس محل مورد نظر رفتند و کشف اجناس سرقتی با هماهنگی مراجع قضایی تحویل شاکי داده شد.»

وی در آخر گفت: «با توجه به شیوه و شگرد متهم تلاش‌ها برای شناسایی سایر شاکیان احتمالی در دستور کار قرار دارد.»

آگهی اعلام مفقودی

استاد مالکیت (برگ سبز) خودروی سواری پژو ۴۰۵GLXi مدل ۱۳۸۸ خاکستری متالیک بشماره موتور ۱۲۴۸۲۲۴۱۴۴و بشماره شاسی NAAM11CA3AK986685 و بشماره انتظامی ۱۹۸بیران ۸۷۵ د ۱۷د مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.
ایلام

آگهی تغییرات شرکت تعاونی روستائی آلان به شماره ثبت ۲۱ و شناسه ملی ۱۰۸۶۱۷۶۰۱۷۲ به استناد صور تجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ ۱۳/۱۲/۱۳۹۹ و نامه شماره ۵۸/۱۴۰۰/۳۴۲۱/۱۰ مورخ ۵۸/۱۴۰۰/۲۲/۱۱۴۰۰ اداره تعاون روستائی سرشدست تصمیمات ذیل اتخاذ شد:
۱- آقای هبمن ظاهری به شماره ملی ۲۸۸۰۱۵۲۲۳۳ به عنوان بازرس اصلی، آقای هادی دولتی به شماره ملی ۲۸۸۹۱۰۰۰۲۳ به عنوان بازرس علی البدل برای یکسال مالی انتخاب گردیدند.
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان آذربایجان غربی مرجع ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری سرشدست(۱۱۴۶۷۶۳)

آگهی اعلام مفقودی

استاد مالکیت (برگ سبز کمپانی وفاکتور فروش) خودروی سواری پژو ۴۰۵GLXi مدل ۱۳۸۵ بژ متالیک بشماره موتور ۱۲۴۸۵۲۲۱۴۴و بشماره شاسی ۲۲۰۲۷۷۲و بشماره انتظامی ۱۱۵بیران ۸۱د۴۲۴ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.
تبریز

حجوات

سرویس حوادث ۸۸۹۸۴۳۵

بازداشت کارگر خدمات در پرونده قتل همسر خدمات

پرونده قتل همسر یک کارگر خدمات یا دستگیری کارگری خدماتی به عنوان مظنون وارد مرحله‌ای تازه شد.

به گزارش جوان، ساعت ۱۶:۳۰ عصر روز یک‌شنبه ۵ اردیبهشت امسال پسر جوانی در تهران با ااداره پلیس تماس گرفت و گفت صدای گریه‌های پسر شیرخوار خاله‌اش را از پشت در خانه‌شان می‌شنود، اما کسی در را روی او باز نمی‌کند و احتمال می‌دهد برای خاله‌اش اتفاق بدی رخ داده باشد و در خواست کمک دارد.

■ **محل حادثه**

با اعلام این خبر تیمی از مأموران کلانتری ۱۰۸ نواب به محل حادثه در ساختمان مسکونی بین خیابان امام خمینی و قصرالدشت اعزام شدند.

در حالی که صدای گریه‌های نوزادی از داخل آپارتمان طبقه همکف ساختمان مسکونی همچنان به گوش می‌رسید، پسری که موضوع را به مأموران پلیس خبر داده بود، گفت: شوهر خاله‌ام کارگر خدماتی است و بعضی شب‌ها هم به خاطر کارش به خانه نمی‌آید و خاله‌ام همراه پسر یک و نیم ساله‌اش تنها است. به همین خاطر امروز مادرم با خاله‌ام تماس گرفت تا او را برای شام به خانه‌مان دعوت کند، اما خاله‌ام به تلفن‌های مادرم جواب نداد.

او حتی تلفن خانه‌اش را هم جواب نداد که مادرم نگران شد و مرا به در خانه او فرستاد تا خبری از خاله‌ام بگیرم. من قبل از رسیدن به خانه خاله‌ام با شوهرش تماس گرفتم که او گفت خاله‌ام خانه است و به خاطر کرونا بیرون نمی‌رود.

وی ادامه داد: وقتی به اینجا رسیدم هر چندر رنگ خانه را زدم کسی جواب نداد که تصمیم گرفتم به خانه‌مان برگردم چون احتمال دادم خاله‌ام بیرون رفته‌است، اما هنوز قدمی برنداشته بودم که صدای گریه کودک شیرخوار خاله‌ام را از داخل خانه به گوشم رسیدم و مرا همانجا میخکوب کرد پس از این دوباره در زدم اما گریه‌های پسر خاله‌ام بیشتر شد و کسی هم در را باز نکرد. از آنجایی که می‌دانستم خاله‌ام هیچ زمانی فرزندش را در خانه تنها نمی‌گذارد احتمال دادم برای او اتفاق بدی رخ داده‌است و به اداره پلیس زنگ زدم و در خواست کمک کردم.

■ **جسد خونین زن جوان**

نخستین بررسی‌های تیم جنایی نشان داد انگیزه این جنایت سرقت بوده چون عامل یا عاملان قتل پس از حادثه طلای زن جوان را سرقت کرده و از محل گریخته‌اند. از سوی دیگر تیم جنایی در نخستین بررسی‌ها متوجه شدند که در خانه سالم است و آثار دفاعی هم روی بدن مقتول وجود ندارد و به همین دلیل احتمال دادند عامل یا عاملان قتل فرد یا افراد آشنایی بوده‌اند که بدون



تخریب در وارد خانه شده و در فرصت مناسبی زن جوان را به قتل رسانده‌اند.

■ **اظهارات شوهر مقتول**

تیم جنایی در ادامه از شوهر مقتول تحقیق کردند. وی گفت: من کارگر خدماتی شرکتی هستم و بعضی شب‌ها هم به عنوان نگهبان در محل کارم می‌مانم. آن روز من نمی‌آیم. امروز صبح به محل کارم رفتم و قرار بود شب هم آنجا بخواهم که ساعتی قبل پسر باجنابم با من تماس گرفت و گفت خاله‌اش جواب تلفن او را نمی‌دهد.

من نگران بودم که دوباره با من تماس گرفت و گفت صدای گریه‌های پسرمر را در داخل خانه می‌شنود، اما کسی در را باز نمی‌کند که نگرانی‌ام بیشتر شد و به خانه‌ام آمدم و با این صحنه روبه‌رو شدم.

■ **ردی پای کارگر خدماتی**

همزمان با انتقال جسد زن جوان به پزشکی قانونی مأموران پلیس تحقیقات صدیقی در اختیار کارآگاهان اداره‌دهم پلیس آگاهی قرار گرفت.

در حالی که قاتل هیچ ردی از خود در خانه مقتول به جای نگذاشته‌بود مأموران در تحقیقات میدانی دریافتند از مدتی قبل مرد جوانی به نام پیام به عنوان نظافتچی به ساختمان محل حادثه رفت و آمد داشته و مقتول را نیز می‌شناخته و گاهی هم خانه مقتول را تمیز می‌کرده‌است. وی روز حادثه هم برای نظافت پله‌ها و پارکینگ داخل ساختمان بوده‌است و به گفته همسایه‌ها آن روز صبح در حالی که کارش نیمه‌تمام مانده‌از ساختمان سراسیمه خارج شده و دیگر از او خبری نشده‌است.

با بدست آمدن این سرخ مأموران به محل کار او رفتند که صاحب‌کارش مدعی شد پس از حادثه او را ندیده‌است.

بنابراین مأموران پلیس پیام را به عنوان مظنون تحت تعقیب قرار دادند تا اینکه چند روز قبل پس از شناسایی مخفیگاهش متهم فراری را دستگیر و به اداره پلیس منتقل کردند.

■ **انکار قتل**

در حالی که همه شواهد و مدارک نشان می‌دهد پیام در قتل زن جوان دست داشته‌است، وی در بازجویی‌ها جرم خود را انکار کرد و مدعی شد که از قتل زن جوان بی‌خبر است.

وی در ادعایی گفت: من کارگر خدماتی هستم و از طریق یک شرکت خدماتی با

ساختمان‌های زیادی برای نظافت قرار داد دارم. مدتی است که برای نظافت به ساختمان محل حادثه هم می‌روم و پله‌ها و پارکینگ آنجا را تمیز می‌کنم و به همین سبب مقتول را می‌شناختم. آن روز من برای نظافت به ساختمان رفتم و در حال کار بودم که کار مهمی برای من پیش آمد. پس از این تصمیم گرفتم نظافت ساختمان را نیمه تمام رها کنم و پس از انجام کارم دوباره برای نظافت به ساختمان برگردم اما فرصت نشد که برگردم. وی در پایان گفت: من در قتل زن جوان دست ندارم و خبر هم ندارم که چه کسی او را به قتل رسانده‌است.

متهم پس از انکار جرمش در ادامه برای تحقیقات بیشتر و روشن شدن زوایای پنهان حادثه به دستور قضای حبیبالله صادقی در اختیار کارآگاهان اداره‌دهم پلیس آگاهی قرار گرفت.



باجناب سارق طلاهای جشن تولد بود

متهم سابقه داری که در مراسم جشن تولد فرزند باجنابش ۱۸۰میلیون تومان طلای خواهر زنش را سرقت کرده‌بود، پس از دستگیری اعتراف کرد که طلاهای سرقتی را با ترساک معاوضه کرده‌است.

به گزارش جوان، روز دوشنبه بیست و هفتم اردیبهشت امسال مردی در تهران به کلانتری ۱۲۸ تهران نو رفت و از سرقت ۱۸۰میلیون تومان طلای همسرش شکایت کرد.

شاکي در توضیح ماجرا گفت: عصر روز شنبه ۲۵ اردیبهشت برای فرزندم در خانه‌مان جشن تولد گرفتم و تعدادی از دوستان

بسیگان نزدیکمان مهمان ما بودند. آخر شب که همه مهمان‌ها به خانه‌هایشان رفتند همسرم به سراغ گاوصندوق رفت تا طلاهای را که در مراسم پوشیده‌بود داخل گاوصندوق قرار دهد که متوجه شده بود مقدار زیادی از طلاها به ارزش ۱۸۰میلیون تومان سرقت شده‌است.

با طرح این شکایت پرونده به دستور قضایی برای رسیدگی در اختیار تیمی از کارآگاهان پایگاه‌ششم پلیس آگاهی قرار گرفت.

بررسی‌های مأموران نشان داد از آنجایی که گاوصندوق داخل کمد دیواری اتاق خواب قرار دارد سارق فرد آشنایی بوده که از محل نگهداری آن و رمز گاوصندوق اطلاع داشته و در فرصت مناسب و در شلوغی جشن تولد موفق به سرقت از داخل آن شده‌است.

پس از این مأموران پلیس تحقیقات خود را روی مهمان‌های جشن تولد متمرکز کردند که به رد پای مرد جوانی به نام محمد رسیدند. مأموران در تحقیقات میدانی در یافتند محمد باجناب شاکي است و همراه خانواده‌اش در کرج زندگی می‌کند و روز جشن تولد هم در مراسم حضور داشته‌است. همچنین مشخص شد وی از سارقان سابقه دار است که مدتی قبل هم از محل کارش اخراج شده‌است.

با بدست آمدن این اطلاعات مأموران پلیس وی را به عنوان مظنون دستگیر و به پایگاه ششم پلیس آگاهی منتقل کردند. متهم ابتدا در بازجویی‌ها جرم خود را انکار کرد، اما وقتی با دلایل و شواهد روبه‌رو شد به سرقت طلاها از خانه باجنابش اعتراف کرد. وی گفت: من معاد به موادمخدر هستم و به همین دلیل مدتی قبل از محل کارم اخراج شدم. وضع مالی‌ام هر روز بدتر می‌شد تا اینکه در جشن تولد فرزند باجنابم تصمیم گرفتم طلاهای آنها را سرقت کنم. من از قبل رمز گاوصندوق آنها را بدست آورده بودم و آن روز در فرصت مناسب سرقت کردم و بعد تمامی طلاها را به فردی به نام فرید دادم که او هم در عوض نیم کیلو ترساک و ۱۱۰میلیون تومان پول به من داد.

سرهنگ کارآگاه علی کنجوریان، رئیس پایگاه‌ششم پلیس آگاهی گفت: به دنبال اظهارات متهم و هماهنگی با مرجع قضایی، دستگیری ماخر نیز در دستور کار قرار گرفت و در بازرسی از منزل وی اموال مسروقه کشف شد و به جرم خود اعتراف کرد؛ پرونده پس از تکمیل تحقیقات به دادسرا ارسال شد که متهمان با قرار مجرمیت روانه زندان شدند.



انهدام باند فروش اسلحه در اینترنت

رئیس پلیس امنیت عمومی تهران بزرگ از انهدام باند فروش سلاح و تجهیزات نظامی در فضای مجازی خبر داد.

سردار علی ذوالقدری در حاشیه دستگیری این افراد گفت: مأموران پایگاه هشتم پلیس اطلاعات و امنیت عمومی تهران بزرگ در راستای مقابله با عوامل تامنی و بر خورد جدی با مجرمان اقدام به رصد فضای مجازی کرده و در این راستا با یک صفحه که اقدام به تبلیغ فروش سلاح و مهمات در فضای مجازی کرده بود، روبه رو شدند.

وی با بیان اینکه در تحقیقات بعدی مشخص شد که این افراد به صورت بانندی فعالیت دارند، گفت: با اقدامات انجام شده و کسب مجوز از مقام قضایی هویت اعضای این باند و مخفیگاه آنان در حوالی بزرگراه خلیج فارس مورد شناسایی قرار گرفت و در پی آن مأموران در عملیاتی به این محل رفته و چهار نفر را دستگیر کردند و در بازرسی از مخفیگاه متهمان دو قبضه سلاح جنگی، فشنگ، ادوات و تجهیزات نظامی و مقادیری موادمخدر نیز کشف و ضبط شد.

متهمان در جریان اعترافات خود اقرار کردند که این سلاح‌ها را از یکی از استان جنوبی کشور تهیه کرده‌اند و تلاش برای دستگیری این افراد نیز با هماهنگی استان مربوطه در حال انجام است.

به گفته ذوالقدری، هر چهار متهم دستگیر شده پس از تشکیل پرونده برای مسیر مراحل قانونی و ادامه روند رسیدگی به جرم به دادسرا معرفی شدند.

درخواست اشد مجازات برای زباله گرد چاقوکش

بوتیک‌های لباس رفتن همان موقع متوجه شدم پسر نوجوانی به طرف زباله‌ها رفت و مشغول گشتن آنها شد. از مغازه بیرون آمدم و به طرف رفتم و اعتراض کردم و گفتم چرا به زباله‌های من دست می‌زنی؟ بعد از این اعتراض او خواستم آنجا را ترک کند، اما او سماجت کرد و گفت شایعات جمع کن است و می‌خواهد زباله‌های بازافتی‌را از داخل زباله‌های من جمع کند.»

متهم ادامه داد: «اصران آن پسر عصبانی شد و مرا از کتک زدم. آنجا بود که چند مرد بوتیک دار با بدن این صحنه از مغازه‌شان بیرون آمدند و به طرف حمله کردند مرا با چوب و چماق زدند. سعی کردم آنها را قانع کنم که پسر نوجوان به زباله‌های من دست زده‌است و می‌خواهد آنها را برادرش اما قهر حرف مرا گوش نکرد و همگی از آن پسر نوجوان طردی‌را کردند.»

او در خصوص حمله با چاقو به سینه شاکي گفت: «شاکي مدعی است در آن درگیری او و دیگر کاسبان محل به من حمله نکرده بودند، اما او دروغ می‌گوید باور کنید من هیچ جاقویی همراه نبود و ضربه‌ای به سینه‌اش نزدم. همه آنهاهی که برای کمک به پسر نوجوان آمده‌بودند چوب و چماق داشتند شاید چاقو هم داشتند و در آن درگیری شاکي باضربه چاقوی آنها زخمی شده‌است.»

با انکار متهم، وی در پاسخ به سؤال هیئت قضایی که اگر در آن درگیری دست به چاقو نشده‌بودی چرا بعد از آن حادثه فرار کردی و پلیس تو را در حالی دستگیر کرد که زیر رختخواب پنهان شده بودی؟ گفت: «در آن درگیری از سسوی صاحب بوتیک تهدید شده بودم. به همین خاطر می‌ترسیدم آنها سراغم بیانند و مرا کتک بزنند یا شاید مرا به قتل برسانند. این شد که از ترس فرار کردم و در خانه پنهان شدم.»

در آخر هیئت قضایی بعد از شنیدن دفاعیات متهم جهت صدور رأی وارد شور شد.



چرا به طرف چاقو کشیدید و مرا به این روز انداخت.»

شاکي در آخر گفت: «ضربه خیلی شدید بود و من به طور معجزه‌آسایی زنده ماندم اما حالا قلیم مشکل پیدا کرده‌است و نمی‌توانم زندگی عادی داشته باشم.»

در این حادثه هم خودم و هم خانواده‌ام ضربه روحی شدیدی خوردیم. به همین خاطر برای متهم درخواست اشد مجازات دارم.»

بعد از این درخواست، متهم به دستور ریاست دادگاه در جایگاه قرار گرفت و خلاف اظهارات قبلی‌اش جرمش را انکار کرد و در شرح ماجرا گفت: «شغل مناسبی نداشتم به همین خاطر برای گذران زندگی‌ام زباله جمع می‌کردم. آن روز بعد از اینکه زباله‌ها را جمع‌آوری کردم در گوشه خیابان شرعیتی آرام‌کنم اما متهم عصبانی شد و نمی‌دانم